

خبرایات
تعبید سایه‌ها
 جواد طوسی
● در یک برنامه‌ریزی ازپیش‌اعلام‌شده قرار بر این بود که چند فیلم قبل و بعد از انقلاب مسعود کیمیایی در خانه هنرمندان به نمایش درآید که متعاقب آن فیلم‌های «قیصر»، «خط قرمز» و «دندان مار» نمایش داده شد. ولی به‌طور غیرمترقبه صلاح بر این دانستند که فیلم‌های «گوزن‌ها»، «اعتراض» و «جرم» به نمایش درنیایند. جا دارد همین جا از تلاش مدیریت خانه هنرمندان (آقای رجبی‌معمار) که زمینه‌ساز نمایش دو فیلم «قیصر» و «خط قرمز» شد، قدردانی شود. به‌هرحال در طول این دوران به جهات گوناگون امکان نمایش فیلم‌ها قبل از انقلاب کیمیایی (به‌جز «سفر سنگ» و دو فیلم کانونی او به نام‌های «پسر شرقی» و «اسب») فراهم نشده و یکی از دلایل اصلی آن محوریت بازیگرانی چون بهروز وثوقی و فردین در این فیلم‌ها بوده است. حال این سؤال پیش می‌آید که آیا خدشه‌پذیری کارنامه هنری و حرفه‌ای این بازیگران به‌لحاظ بعضی از فیلم‌هایشان و مسائل مرتبط با زندگی خصوصی و شخصی‌شان می‌تواند کلیت یک اثر ارزشمند سینمایی را زیر سؤال ببرد؟ چنانچه بعضی از فیلم‌های قبل از انقلاب کیمیایی مانند «قیصر»، «دانش‌اکل» و به‌ویژه «خاک» و «گوزن‌ها» را با حذف بعضی قسمت‌های کوتاه می‌توان بدون هیچ مشکلی نشان داد. یکی از این هنرپیشه‌ها جدا از آن مشکل ارتباطی‌اش با یکی از افراد خانواده پهلوی دوم، بازیگر مستعد و بسیار اعطاف‌پذیری در ایفای نقش‌های مختلف بود که بی‌اغراق هنوز جایگزینی برای او در سینمای ایران نیامده است. کافی است تا فیلم‌های «گوزن‌ها»، «تنگسیر» و «سوته‌دلان» او را در ذهنمان مرور کنیم. آیا از منبا قراردادن کلام روشن‌بینانه رهبر فقید انقلاب (اصل، حال افراد است)، نمی‌توان این اشتباه بازیگر مذکور را مورد اغماض قرار داد؟ به‌ویژه که او در این سال‌های بعد از انقلاب هیچ‌کس حرف نامربوطی نزده و مخالف‌خوانی نکرده و زندگی بی‌حاشیه‌ای در غربت داشته و همواره آرزویش این بوده که به وطنش بازگردد. در مورد ناصر ملک‌مطیعی و مرحوم فردین قضیه فرق می‌کند. آنها بعد از بازی در فیلم «برزخی‌ها»، فعالیتشان ادامه نیافت. ولی جلا وطن نگردند و همواره سکوت اختیار کردند و هیچ‌گاه اهل نیش و کنایه نبودند. با این وصف، نادیده‌گرفتن کلام امام‌خمینی(ره) و شخص‌زدن گذشته آنها و بزرگ‌نمایی بعضی آثارشان که به‌هرحال تابع قواعد بازی سینمای گیشه‌پسند آن سال‌ها بوده، نوعی و بی‌مهری به بازیگرانی است که نمی‌توان جایگاه درمی‌شان را منکر شد. وانگهی با مرور کارنامه این دو بازیگر درمی‌یابیم که هرگاه برای آنها به‌سبب مناسب در جهت ارائه کار متفاوت فراهم بوده، قابلیت‌های خود را نشان داده‌اند. به این نکته نیز توجه داشته باشیم که در طول این دوران بازیگران زن و مردی بوده‌اند که نقاط تاریک کارنامه هنری‌شان در دوران قبل مورد توجه و حساسیت جدی قرار نگرفته و با ادامه فعالیتشان کنار آمده‌اند. خب آیا در این‌گونه موارد نباید عدالت را برای همه به یکسان رعایت کرد و برای بازیگرانی چون ناصر ملک‌مطیعی محدودیت بیش از این قائل نشد؟ از محمدعلی فردین که گذشت، لاقال بیابیم در این چند صباح باقیمانده از عمر ناصر ملک‌مطیعی، رفت اسلامی را شامل حال او کنیم تا بتواند نقش‌های ماندگار و قابل‌دفاعی را در دوران آخر حیات هنری‌اش ثبت کند.

زیر آسمان فیروزه‌ای

تمدید فراخوان «ورسوس» تا اول دی

● شرق: با درخواست شرکت‌کنندگان در دومین فراخوان هنرهای تجسمی ورسوس که ویژه مجسمه‌سازان زیر ۳۵ سال است، مهلت ارسال آثار تا اول دی‌ماه تمدید شد. فراخوان دومین دوره این رویداد هنری از مهرماه جاری آغاز شده بود و قرار بود ۱۵ آذر به پایان برسد که با توجه به درخواست شرکت‌کنندگان به مدت ۱۵روز تمدید شد. آثار رسیده در دو مرحله انتخاب و داوری می‌شوند. در ابتدا آثار رسیده توسط هیات انتخاب پنج‌نفره متشکل از مریم سالور، بیتا فیاضی، بهروز دارش، محمدحسین ماهر و حمیدرضا حکیمی قضاوت می‌شوند. آثار برگزیده از دوم تا دهم بهمن‌ماه در فرهنگسرای نیاوران در معرض تماشای عموم قرار خواهند گرفت. این آثار برگزیده توسط هیات داوری سه‌نفره، شامل لیلی گلستان، خسرو خورشیدی و محمدحسین عماد، داوری شده و برندگان جوایز ارزشمندی دریافت خواهند کرد. دومین دوره فراخوان تجسمی ورسوس به‌مانند دوره اول با حمایت شرکت سن‌ایچ برگزار خواهد شد. نخستین دوره ورسوس که ویژه نقاشان زیر ۳۰ سال بود، خرداد سال گذشته با معرفی برندگانش در خانه هنرمندان برگزار شد.

شرق: یکی از رسانه‌های اصولگرا روز گذشته مدعی شد برنامه رادیویی «هفت‌اقلیم» تعطیل شده است. «نسیم» گزارش کرد که در پی پخش ویژه‌برنامه رادیویی «هفت‌اقلیم» با موضوع غلامحسین ساعدی، این برنامه تعطیل شده است. این در حالی است که طی تماس تلفنی با تهیه‌کننده ویژه‌برنامه‌های ادبی «هفت‌اقلیم»، مرتضی صداقت‌گو، او از این تعطیلی ابراز بی‌اطلاعی کرد. در پی انتشار این خبر، روز گذشته فارس نیز نوشت محمدصادق رحمانیان، مدیر شبکه رادیویی فرهنگ، درباره اختصاص چهره هفته برنامه «هفت‌اقلیم» به غلامحسین ساعدی گفته: ناظر پخش این برنامه توییح شده و دست‌اندرکاران

در پی پخش ویژه‌برنامه رادیویی ساعدی

«هفت‌اقلیم» تعطیل شد

تولید برنامه نیز عذرشان خواسته شده است. وی افزود: همچنین برنامه «هفت‌اقلیم» تا دو هفته آینده تعطیل خواهد شد و رویکرد آن از ابتدای دی‌ماه تغییر می‌کند و با رویکرد و عنوان متفاوت روی آنتن شبکه رادیویی فرهنگ خواهد رفت. رحمانیان همچنین گفت: برنامه جدیدی با عنوان «زیر چتر فرهنگ» از اول دی پخش خواهد شد. «هفت‌اقلیم» حوزه‌های مختلف تئاتر، ادبیات، موسیقی، تجسمی و… را پوشش می‌داد. خبرنگار «شرق»، در پی‌گیری صحت و سقم خبر با مدیر‌رادیوفرهنگ تماس گرفت؛ محمدصادق رحمانیان، مدیر رادیو فرهنگ، در واکنش



سرافراز (رئیس صدا و سیما) در نشست محفله «معمای شاه» / عکس: تسنیم

اعتراض به تحریف در سریال «معمای شاه»

معمای تنهایی «ورزی»

فرزند آیت الله کاشانی از معترضین به این سریال است

برهمن‌اساس در سریال صرفا اشاره‌ای گذرا به این مسئله شده و تأکید تصویری بر این موضوع صورت نمی‌گیرد. آنچه در این بخش به تصویر کشیده شده، کاملاً منطبق بر واقعیت‌های تاریخی بوده و در آثار تاریخی متعدد مورد تأکید قرار گرفته است.

انتقاد فرزند کاشانی

یکی دیگر از انتقادها به این مجموعه از سوی فرزند آیت‌الله کاشانی مطرح شد. در نامه انتقادی او مطرح شده بود که سازندگان سریال قصد دارند بر ایستادگی آیت‌الله کاشانی در برابر بدحاله یکایکان سرپوش بگذارند؛ کاشانی همچنین «محمدرضا وزی»، کارگردان این سریال، را به دروغ‌پردازی در سریال‌های «پدرخوانده» و «کاخ تنهایی» متهم کرده بود. ابوالحسن مختاباد، منتقد موسیقی، هم با انتقاد از چگونگی نشان‌دادن روح‌الله خالقی در سریال گفته بود: «در سریال ارجمند بعد از دیدن نمایش هملت برقرار از دیدن نمایش بیرون آمده و در سرسرای سالن تئاتر عدای تماشاگر دودر شاه کرده‌اند درحالی‌که قد او از همه کوتاه‌تر است. سپس دیالوگی بین او (بازیگر نقش روح‌الله خالقی) و محمدرضا شریفی‌نیا و سعید نبکیور و امیرلش ارجمند بعد از دیدن نمایش طبیعتاً تفروش می‌شود که از کار آقای خالقی تعریف و تمجید می‌کند اما مشکل در اینجااست که روح‌الله خالقی در آن تاریخ (سال ۱۳۲۰) بیش از ۳۵ سال نداشته و قلاب‌کردن مردی با گریم بالای ۶۵ سال به جای خالقی عملاً نوعی دیگر از تحریف تاریخ است که به سراغ این سریال آمده. ضمن آنکه روح‌الله خالقی فردی بلندقد بود و استفاذه از هنرپیشه‌ای کوتاهقد به جای او هم باز تحریفی دیگر شده تا این امر به شکلی حادالقی صورت گیرد و

به بهانه تمرینات «شب آوازهایش را می‌خواند»

ضیافت موسیقی و نور و رنگ و کلمه

شرق: رضا گوران، کارگردانی که پس از اجرای «هملت‌اش، پرویز پورحسینی او را شاعر صحنه‌ها خطاب کرد، در حال تمرین نمایش «شب آوازهایش را می‌خواند»، نوشته یون فوسه، نمایش‌نامه‌نویس نروژی، در نمایشخانه ایرانشهر است. او آخرین بار «مداب روی بام» را که برگرفته از «دونا رزیتا»ی لئوکا بود در این نمایشخانه روی صحنه برده بود؛ نمایشی که در آن بازیگرانی همچون بهناز جعفری، پانته‌آ پناهی‌ها، ستاره پسیانی، نندا مقصودی و… عاشقانه‌آه از سال‌های جنگ را روایت می‌کردند. این‌بار در «شب آوازهایش را می‌خواند» بار دیگر زوج نوید محمدزاده و باران کوثری که پیش از این در نمایش‌های «مستان ۶۶»، «روایت ناتمام یک فصل معلق» و فیلم‌های «لاتوری» و «عصبانی نیستم» همبازی بوده‌اند، در کنار سعید چنگیزیان و نیلوفر زوارق، به ایفای نقش خواهند پرداخت تا لحظات واژگونی یک رابطه و تولد رابطه‌ای دیگر را روی صحنه به نمایش بگذارند. گوران اما این‌بار هم مثل همیشه، با استفاده از عناصر مختلف صحنه، در تلاش است تا خارج از عرف‌های رایج، صحنه را بیاراید. این آرایش خلاقانه او در صحنه، که از سال‌های دور از دوران کارگردانی «یرما»، «داستان یک پلکان» و «ابرهای پشت حجره» شروع شده بود، در «هملت» به اوج رسید؛ و با بازی‌هایی متفاوت از صابر ابر که ایفاگر نقش هملت بود و ستاره پسیانی که اولفیا را بازی می‌کرد همراه شد و با طراحی صحنه‌ای متفاوت، راهروهایی موازی را در برابر دیدگان مخاطب قرار می‌داد که سرگردانی هملت در آثر نمایشی در سالن استاد سمن‌دیان همیشه در آثار گوران مخاطب با نوعی انترتاع و تجرید

هنر

در پی پخش ویژه‌برنامه رادیویی ساعدی
«هفت‌اقلیم» تعطیل شد
تولید برنامه نیز عذرشان خواسته شده است. وی افزود: همچنین برنامه «هفت‌اقلیم» تا دو هفته آینده تعطیل خواهد شد و رویکرد آن از ابتدای دی‌ماه تغییر می‌کند و با رویکرد و عنوان متفاوت روی آنتن شبکه رادیویی فرهنگ خواهد رفت. رحمانیان همچنین گفت: برنامه جدیدی با عنوان «زیر چتر فرهنگ» از اول دی پخش خواهد شد. «هفت‌اقلیم» حوزه‌های مختلف تئاتر، ادبیات، موسیقی، تجسمی و… را پوشش می‌داد. خبرنگار «شرق»، در پی‌گیری صحت و سقم خبر با مدیر‌رادیوفرهنگ تماس گرفت؛ محمدصادق رحمانیان، مدیر رادیو فرهنگ، در واکنش

قوام؛ در «معمای شاه»، که خود سابقه ساخت سریال موفق «سربداران» را در کارنامه دارد، از زاویه‌ای دیگر به ساخت آثار تاریخی نگاهی می‌کند. او در گفت‌وگو با «شرق» با اشاره به اینکه اساسا کارگردان، معلم تاریخ نیست گفت: گاهی کارگردان برای بیان اتفاقی ظرف مورن‌نظرش را در زمانی خاص قرار می‌دهد و براین‌اساس، مقطعی از تاریخ را انتخاب می‌کند. طبعاً برای پیگیری سربلایی تاریخی باید ببینید کارگردان از ساخت اثر و بیان مفهوم کارش چه منظوری داشته است؟ مثلاً فرض کنید در سربلایی مثل معمای شاه بخواهیم خاندان پهلوی، به‌ویژه اشرف پهلوی را نشان بدهیم و همه ما می‌دانیم که خصوصیات رفتاری و ظاهری او چگونه بوده است. طبعاً نمی‌توان به‌راحتی آن را در رسانه ملی نشان داد.

او ادامه داد: رفتن سراغ تاریخ به این منظور است که حرفی که دغدغه کارگردان است بیان شود. حالا از این نظر که در بیان حرفش و ارتباط با مخاطب موفق می‌شود یا خیر موضوع دیگری است.

نجفی درباره شخصیت‌پردازی در سریال‌های این‌چنین اضافه کرد: در پرداخت شخصیت‌های تاریخی نمی‌توان نگاه کاملاً سفیدی یا سیاه از شخصیت‌ها ارائه داد. شخصیت‌ها طبعاً خاکستری هستند؛ گاهی پررنگ و گاهی هم کمرنگ می‌شوند.

تاریخ زاویه نگاه هنرمند

نکته تأمل‌برانگیز در ترسیم سریال‌های تاریخی زاویه نگاهی است که کارگردان در روایت قصه با پرداختن به شخصیت‌هایی خاص انتخاب می‌کند. نمونه موفقی که عمده‌ترین ساخته‌هایش را در قالب آثار تاریخی ارائه کرد، علی‌حاتمی است؛ همو‌که روایتش را از تاریخ معاصر تحسین کرد و بیان هنرمندانه او را ستودند. اینکه کارگردان از چه زاویه‌ای به تاریخ نگاه می‌کند و قصد دارد در قالب داستانش چه وجهی از تاریخ را برجسته کند، اتفاقی است که در هر اثر نیست به اثر دیگر متفاوت است. سریال «معمای شاه»، البته فاقد زاویه نگاه کارگردان در روایت قصه و پرداختن به شخصیت‌هایی خاص است.

«معمای شاه» مردم‌پسند

کارگردان سریال «معمای شاه» گویا در برابر منتقدان تنه‌است؛ چراکه نشانه‌هایی از استقبال مخاطب عام از این سریال به چشم می‌خورد. با گذشت قسمت‌های ابتدایی سریال، میزان استقبال مخاطبان رضایت‌بخش بوده، آن‌قدر که استیکرهای سریال در فضای مجازی در بین مردم دست به دست می‌شود.

«ورزی» در دسترس نیست

صحت از چگونگی نگاه به تاریخ در سریال معمای شاه است. شاید محمدرضا وزی که همراه با گروهی مدت‌ها، زمان صرف تحقیق و پژوهش آن کرده است، بهتر پاسخ بدهد. هر چند این روزها روابط‌عمومی این سریال پاسخگوی صحبت‌ها و حواشی این سریال است، پیگیری «شرق» برای گفت‌وگو با این کارگردان بی‌نتیجه مان، اما باید دید در ادامه محمدرضا وزی چه پاسخی به انتقادهای پیرامون اثرش خواهد داشت؟

شرق: احمد آریامنش در نشست نقد و بررسی آثارش عنوان کرد این روزها در نقاشیخط شاهد بی‌توجهی به مفهوم و کانسپت هستیم و بیشتر هنرمندان این عرصه تنها به خلق آثار تزئینی روی آورده‌اند. نشست نقد و بررسی نمایشگاه نقاشیخط احمد آریامنش با عنوان «عشق شادی است»، شنبه، ۱۵ آذر برگزار شد. در ابتدای این نشست جواد بختیار، خوشنویس گفت اگر فضای نقد واقعی در جامعه هنری ما به وجود آید، بسیاری از مناسبات تغییر می‌کند و بسیاری از هنرمندان می‌توانند به جایگاه واقعی خود در عرصه هنر دست یابند. او افزود: «در شرایط فعلی ایران متر و معیار درستی برای نقد نداریم و هنرهای مختلفی ما هم از این قاعده مستثنا نیست و تعداد منتقدان این حوزه بسیار انگشت‌شمار هستند. حتی ما نمی‌توانیم در مواجهه با هنرهای سنتی، مثل نقاشی ایرانی نقد درستی داشته باشیم و زمانی که می‌خواهیم از آثار یک هنرمند در این حوزه صحبت کنیم تمام صحبت‌مان معطوف به تعریف و تمجید می‌شود». سهیل همدانی نیز در ادامه این نشست گفت: «آریامنش یکی از هنرمندان صاحب سبک در عرصه نقاشیخط به شمار می‌رود و آثارش برای من بسیار دلنشین است. او در آثارش لحظات گوناگونی را روایت کرده است و در مجموعه اخیر نیز او از عشقی سخن می‌گوید که آزادی و شادی را برای ما به ارمغان می‌آورد».احمد فلسفی، خوشنویس نیز در بخش دیگری از این نشست گفت: «احمد

ادامه از صفحه ۹

آوای موسیقی و نقاشی آن جهانی

جنبه آن جهانی نقاشی‌های وی‌زیری‌مقدم سبب می‌شود که نقاشی‌های فیکوراتیو و آبستره‌اش در خدمت بیان جهان‌بینی روشن و واحدی قرار گیرند که در تمام آثار این هنرمند، از نقاشی‌های امپرسیونیستی نخستین تا آخرین سسمقونی‌های رنگین، ه‌ر‌بار به شکلی تازه جلوه‌گر می‌شود. این جهان‌بینی برآمده از سطح دانش نقاشی است که معنای واقعی پژوهش هنر را دریافته و هر اثرش پژوهشی است برای رسیدن به معنایی تازه‌تر و در جهت رسیدن به پژوهش‌های بیشتر. این شاید پاسخی باشد به دلالات و صحنه‌گردانانی که نقاشانی را می‌پسندند که تعداد کار کمتری داشته باشند؛ و همچنین درسی باشد برای هنرجویان و نقاشان، که می‌شود درجا نزد و یک کار را به هزار شیوه تکرار نکرد و بیش از ۱۵ دوره کاری داشت.

اما این آن‌جهانی‌بودن سبب می‌شود که بدن در آثار وی‌زیری همان‌قدر خاکی باشد که افلاکی و به معنای واقعی تصویر «صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی». و آن‌گاه به مرور بدن از جایگاه خاکی جدا شده و در آبستره‌های اخیر نقاش، جان‌مایه‌ای رنگی از آن بر بستر بوم به جای می‌ماند. شاید بی‌مناسبت نباشد که در اینجا شیوه نگریستن وی‌زیری به جهان را با شیوه دو نقاش دیگر، فرانسیس بیکن و بهمن محض، مقایسه کنیم. جان برجر در کتاب درباره نگریستن چنین می‌نویسد: «فرانسیس بیکن تنها نقاش انگلیسی این قرن است که نفوذی جهانی کسب کرده. کار او انسجامی چشمگیر دارد، از نخستین نقاشی‌ها گرفته تا آخرین آنها. انسان با یک جهان‌بینی کاملاً روشن روبه‌رو است. کار بیکن بر بدن انسان متمرکز است. در زندگی، لحظه‌ای که همه لحظات قبلی و بعدی را پس می‌راند، معمولاً لحظه درد است و درد ممکن است

آرمانی باشد که مشغله ذهنی بیکن در هوای آن است.» [۳] اما در دنیای وی‌زیری، درد آرمان و ایده‌آل نیست و وی‌زیری معنای رنج‌کشیدن و درمان آن را در نظر به دیگرسو می‌یابد، و چنین است که در مقایسه با نقاش دیگر، همچون بهمن محض، درمی‌یابیم که انسان دنیای محض، سنگی، منغل، خموده و فارغ از درد و رنج است؛ اما انسان باندپیچی‌شده وی‌زیری‌مقدم، درد رنج را در خود و پیرامون خود می‌بیند، اما در پیله درونی نمی‌تند و به‌دنبال برقراری ارتباط است، حتی با علامد مرس. در شرایط اختناق و خفقان سال‌های ۴-۱۳۵۳، فیکورهای محض هنوز از خوشحالی زوزه می‌کشند، اما فیکورهای وی‌زیری‌مقدم زیر شکنجه هم سر خم نمی‌کنند و به‌دنبال تسلی‌دادن به یکدیگرند؛ در تلاشی طاق‌تفرسا برای ماندن و متلاشی‌نشدن.

ولی در اینجا پرسشی که مطرح می‌شود این است که با وجود این تمایزات روشن، دلایل بی‌اعتنایی منتقدان به کارنامه کم‌نظیر وی‌زیری‌مقدم چیست؟ اگر از نرمش‌ناپذیری وی‌زیری‌مقدم بگذریم، به دایلیی همچون کم‌مسوادی منتقدان و هیاهوهای بسیار برای هیچ و هیچ‌ساز می‌رسیم. برای فهم دنیای وی‌زیری، باید با دنیای موسیقی آشنا بود و دید که جای چهار انگشت بر ساز، چگونه به المان تصویری آثار وی‌زیری تبدیل می‌شود، چگونه ترکیب کلاویه‌های سپید و سیاه در ترکیب‌بندی آثار وی‌زیری نمایان و چگونه ترکیب‌بندی آثار فیکوراتیو در نقاشی‌های آبستره تکرار شود. در غیر این‌صورت، بر همان مدار پیشین، دور باطل‌زدن است و چنین می‌شود که محضص در نظرسنجی فصلنامه حرفه: هنرمند، برای انتخاب ده هنرمند برگزیده هنر نوگرای ایران، در صدر فهرست قرار می‌گیرد و محسن وزیری‌مقدم در جایگاه چهارم، چراکه وی‌زیری‌مقدم عضو کنفدراسیون دانشجویان و بعد سازنده مجسمه خاندان سلطنت نبوده، رفیق گرمابه و گلستان هیچ‌کس نبوده و با هیچ منتقدی عقد اخوت نبسته و از آن بدتر عضو هیچ فرقه و محفلی هم نبوده است. و مگر می‌شود هیچ‌کدام از اینها نباشی و در جامعه هنرهای تجسمی دوام بیاوری؟ محسن وزیری‌مقدم با ۲۰سال زندگی خلافت‌ناش نشان داد که می‌شود. می‌شود اینها نباشی و تنها نقاش ایرانی باشی که سوزه هنرهای مدرن نیویورک (MOMA) اثرش را بدون واسطه خرید و سربلند باشی از باج‌ندان به واسطه‌ها و صحنه‌گردانا و دلال‌ها. مفت‌خوران و کاسه‌لیسان. شاید اگر موسورسکی در قید حیات بود، «پرتره‌هایی از یک نمایشگاه» را به وی‌زیری تقدیم می‌کرد، و قدر مسلم این است که تاریخ نقاشی ایران مفتخر است به داشتن هنرمند و استادی همچون محسن وزیری‌مقدم.

منابع:

- سلوک روحی بتهوون. سالیوان، ج. ۶۰-۵۸. ۱۳۸۳
- مدرنیسم. چایلدز، پیتر. ۳۲. ماهی. ۱۳۸۳
- درباره نگریستن. برجر، جان. ۱۵۴. آکه. ۱۳۷۷